

## پیش‌خوان

نظری بر اثر نوانتشار «هیئت‌های مذهبی و انقلاب اسلامی»

### عزاداری و قیام

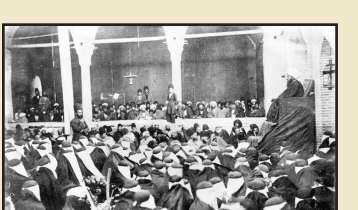
■ شاهد توحیدی



لازمه بسیج انقلابی در فرآیند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب‌ها فرام‌بودن شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از یک سو و ارکان بسیج انقلابی، یعنی مشارکت وسیع مردمی، ایدئولوژی، سازمان و رهبری از نسوی است.

دیگران در فرآیند انقلابی کارهای ویژه‌ای چون انسجام‌بخشی انقلابیون، برقراری ارتباط دقیق میان انقلابیون، مردم و رهبری، اطلاع‌رسانی لازم، جذب و آموزش نیروهای انقلابی، تأمین تدارکات، منابع مالی و پشتیبانی را بر عهده دارد. سازمان‌ها به دو گروه قدیمی و جدید قابل دسته‌بندی هستند. سازمان‌های قدیمی ریشه در تاریخ جامعه دارند و با کارکردهای خود خاص متعلق به دوره خاصی از انقلاب نیستند، ولی در شرایط انقلابی مورد بهره‌برداری انقلابیون قرار می‌گیرند، مانند هیئت‌های مذهبی در فرآیند انقلاب اسلامی، اما سازمان‌های نوین تنها به‌منظور اهداف انقلاب ایجاد می‌شوند و سابقه‌ای پیش از انقلاب ندارند.

اعتقاد به نامشروع بودن حکومت غیرمعصوم، فرهنگ ایثار و شهادت، مبارزه با ظلم و طرفداری از مظلوم، تقیه،انتظار، غیبت و… را می‌توان از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی تشیع برشمرد. همچنین در این راستا باید به ساختار و نمادهای مذهبی فرهنگ شیعه مانند مراسم عاشورای حسینی، سوگوار، عزتیه و سنت یاد شهیدان در تقویم مذهبی و نظایر آن اشاره کرد که بالقوه حاوی قدرت عظیمی در تحریک و بسیج سیاسی مردم و میدن روح مبارزه و انقلابی‌گری در طول تاریخ بوده است. تمامی نمادهای مذهبی و عاشورایی ذکر شده به شکلی در ساختار سازمانی خود جوش و مرهم‌نهاد به نام هیئت‌های مذهبی تجلی یافته‌است. در طول



❏ یکی از محافل عزاداری حسینی در دوره قاجار

دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به شرایط اجتماعی و مذهبی تجلی یافته‌است. در طول دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی هیئت‌های مذهبی علاوه بر حفظ کارکردهای سنتی کارکردهای جدیدی نیز بر گزداشت یاد شهیدان در قالب جست آموزش قرآن، احکام اسلامی، روضه‌خوانی و مراسم عزاداری و… درون این هیئت‌ها انجام می‌شد. با توجه به مطالب مذکور شرایط و ساختار خاص هیئت‌های مذهبی امکان سازماندهی، بسیج و فعالیت‌های سیاسی را در جریان انقلاب اسلامی در کنار سایر سازمان‌ها به شکل قابل توجهی فراهم می‌کرد. به شکلی که از یک طرف مراسم مذهبی پوششی برای فعالیت‌های سیاسی و عامل مخفی‌سازی فعالیت‌ها بود و رژیم شاه چندان جرئت مخالفت با مراسم مذهبی و جلوگیری از آن را نداشت. از طرف دیگر مردم در مراسم مختلف مذهبی به شکل خودجوش و بدون دعوت در مساجد، تکایا و اماکن مقدس دیگر حضور می‌یافتند و بر این اساس تجمع عظیمی بدون سازماندهی در جهت اهداف انقلابی بر اساس فرهنگ سیاسی شیعی و در قالب تقویم مذهبی آن در شهرهای مختلف مخصوصاً در ایام تاسوعا و عاشورای حسینی در دل هیئت‌های مذهبی شکل می‌گرفت. به دلیل چنین جایگاه قابل توجهی امام خمینی (ره) به عنوان رهبر نظر به پرداز، عملیاتی و معمار بزرگ انقلاب اسلامی، مشوق و الهام‌بخش تشکیل و گسترش فعالیت هیئت‌های مذهبی و مجالس عزاداری بودند و در برخی از آنها نماینده داشتند، لذا ایشان بارها در سخنرانی‌های خود به اهمیت هیئت‌های مذهبی و بر بایی مجالس عزاداری در محرم و صفر و نیز تجمع مسلمانان در مساجد و انجام کارهای جمعی اسلامی همچون نمازهای جماعت و نماز جمعه تأکیدهای فراوانی داشتند، زیرا از دیدگاه ایشان این تجمع گروهی علاوه بر اینکه ثواب اخروی را در پی دارد، در فرآیندهای سیاسی جامعه نیز اثر گذار است. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یکی از نتایج مهم چنین حضور هدفدار مردم با رهبری یک مرجع تقلید بوده است.

## تاریخ

کفت و گو ۸۹۸۴۲۸



نظری بر مبناسازی پهلویِ دوم برای مشروعیت سلطنت

# تلفیق ناهمگون تشیع و باستان‌گرایی!

❏ نیم‌احمدپور

**اساساً تمامی حکومت‌ها برای مشروعیت بخشیدن به تسلط خویش، ناگزیر از پاسخ به این پرسش هستند که از چه روی و به چه دلیل باید حکومت کنند؟ یا به عبارت دیگر، چه عامل یا عواملی حاکمیت آنها را تجویز کرده‌است؟ از سوسی انواع حکومت‌ها، پاسخ‌های متنوعی به این پرسش داده شده‌است. مقالی که پیش رو دارد، به مدد بازنگری اقوال و احوال محمدرضا پهلوی، نگاه و به این مقوله را تشریح کرده‌است.**

بی‌تردید آنچه در نهایت حکومت‌های استبدادی واپسته رامدنی رساند، زور گویی و خشونت‌مداری است. با این همه لاقدر در ظاهر امر، اینگونه حکومت‌ها ناگزیر از ایجاد فلسفهای برای بقای خویش هستند. حکومت‌وابسته و کودتایی پهلوی پدر و پسر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. این سلسله به رغم سرسپردگی و زورمداری آشکار خویش، در پی آن بود تا برای تداوم حاکمیت خویش محمل‌های تئوریک و تاریخی تدارک ببیند و آنها را به مدد تبلیغات به مردم و ناظران جهانی بیاوراند. از منظرراقم این سطور، محمدرضا پهلوی در دوران حاکمیت خویش در پی آن بود که به‌مدد عوامل ذیل، این مشروعیت‌سازی را به‌انجام برساند.

■ **ازور (استبداد)**

این عامل همواره یکی از راه‌های مشروع‌سازی قدرت حاکمان بوده‌است. در دوره پهلوی‌ها، به‌ویژه پهلوی دوم این عامل در قالبی جدید و با ظواهر مدرن و به‌شکلی خطرناک‌تر پدیدار شد. ملیت‌پریم، سرکوب قیام‌ها، نقض قانون اساسی و… را می‌توان از جمله اشکال جدید زور و استبداد در حکومت پهلوی قلمداد کرد. این استبداد آشکار و بی‌پرده است. اقدامات شاه بود فی‌نفسه برای چنین حکومتی مشروعیت ظاهری و فریبنده ایجاد می‌کرد.

■ **سفره‌ایزدی (ظل‌اللهی)**

محمدرضاشاه برای بقا و دوام سلطنت و حکومت خود با ادعای ظل‌اللهی سعی می‌کرد مردم را به اطاعت از خود وادار و از طغیان و عصیان جلوگیری کند.<sup>(۱)</sup> شاه‌ادعای کرده‌به‌خدا اعتقاد دارد و «هر حقیقت به‌وسلیه او برای انجام یک‌سالت» انتخاب شده‌است. او می‌نویسد: «رسالت‌م معجزهٔ نجات کشور بود، حکومت‌کشور رانجات داد، زیرا خداوند پشتیبانم بود. می‌دانم هر چیزی برای ایران انجام‌دادم برای خودم هیچ‌نفع و اعتباری نداشت… یک‌سال دیگر پشتیبانم هست و آن خلدست.» وی حتی با رافتار نهاده‌است و می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند از من به‌خدا نزدیک‌تر است.»<sup>(۲)</sup>



**بی‌تردید آنچه در نهایت حکومت‌های استبدادی و واپسته را مددی رساند، زور گویی و خشونت‌مداری است، با این همه لاقدر در ظاهر امر، اینگونه حکومت‌ها ناگزیر از ایجاد فلسفهای برای بقای خویش هستند. حکومت‌وابسته و کودتایی پهلوی پدر و پسر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست**

محمدرضاشاه در اولین کتاب خود به‌نام مأموریت برای وطن می‌نویسد: «از شش‌سالگی اعتقاد پیدا کردم خدای بزرگ پیوسته مرا در کنف حمایت خود قرار داده‌ است و خواهد داد» و سپس از اتفاقاتی نام می‌برد که آنها را به نوعی حمایت پروردگار از خود و دوام سلطنتش می‌داند، به‌ویژه جان سالم به در بردن از تورافرجام یمن ۱۳۲۷ و «معجزه بیست و هشتم مرداد ۱۳۲۲» را یادآور می‌شود، ولی بیش از هر موضوعی به اتفاقی که در ایام کودکی شاهد و ناظر آن بود اشاره می‌کند و می‌نویسد: «روزی با مریی خود در حوالی کاخ سلطنتی قدم می‌زدم. ناگهان مردی را با چهره ملکوتی دیدم که بر گرد عارض‌هاله‌ای از نور مانند صورتی که نقاشان عرب

از عیسی بن مریم می‌سازند، نمایان بود. در آن حین به من الهام شد با خاتم‌الامه اطهار حضرت امام قائم(عج) روبرو و هشتم.»<sup>(۳)</sup> نخبگان سیاسی معتقد بودند، ایران همانند کشورهای جهان اسلام به یک ایدئولوژی فراگیر برای جلب حمایت مردم نیازمند بوده‌است. بدین دلیل لازم بود ایدئولوژی شاهنشاهی به‌مثابه یکی از اجزای مهم نظامی سلطنتی، «شاه‌شاهان» را نماد حاکمیت پلامنازع چندفرنی سلطنت و تنها انخدادی سرنوشت ملت و جامعه به مردم معرفی‌کند، به‌عبارت‌دیگر جوهره ایدئولوژی شاهنشاهی پهلوی مویزه دوره محمدرضا مقدم شمردن سلطنت به هر یک از اجزای قانونی نظام و جدائاپذیر دانستن شخص اول مملکت از ملت و مصالح و منافع ملی بوده‌است. بر طبق این نظریه سلطنت‌ودیعهای آسمانی و عامل اصلی تداوم حیات کشور است. سلطنت تنها نهادی است که مانع از میان رفتن هویت ایرانی می‌شود و جامعه را از غریزدگی و فساد در امان نگه می‌دارد. این تفکر که در طول تاریخ نظام شاهنشاهی مایه قوت و عظمت ایران بود و فقط مقام سلطنت سرنوشت ملت را در دست دارد، ملت و جامعه را هدایت و خط مشیی زندگی عمومی و اجتماعی را تعیین می‌کند، موجب شده بود تنها معیار مینهن‌دوستی و ایرانی‌بودن، تبعیت بی‌چون و چر از اوامر دستورات پادشاه باشد.

تفکر برتر و الهی‌بودن شاه که در تمثیل‌هایی چون «شاه خدای کوچک‌است»، «شاه سایه خداست»، «صلاح مملکت خویش خسروان دانند» یا «هر کس از نظر مرحمت شاه افتد» اهر کجا پای نهد یکسره در چاه افتد» نه تنها جامعه و مردم عامی را تحت تأثیر قرار می‌داد، بلکه بر رفتار و کردار نخبگان سیاسی دو چندان تأثیر داشت و آنان را به اطاعت محض، تأیید و تمجید تعلق‌آمیز از شاه و امی داشت، به نحوی که جمشید آموزگار «کلید مباحث مهم و تمام مسئولیت افزایش ثروت و قدرت ایران را به نیوغ شاه نسبت می‌داد.» محمد باهری، معاون امور فرهنگی وزارت دربار نظام پادشاهی را مایه

قدرت و عظمت ایران تلقی می‌کند و شاه را تنها حافظ بقا و دوام ایران می‌داند و اسدالله علم محمدرضاشاه را به «سایه خداوند»… تشبیه می‌کند و وظیفه خود را تنها در مقام چاکر و نوکر اجرای اوامر محمدرضاشاه اطاعت می‌داند.<sup>(۴)</sup>

از آنجا که در سال‌های آخر سلطنت محمدرضاشاه بوروکراسی آموزشی و وسایل ارتباط جمعی در سراسر کشور بود، در روستاها گسترش یافته بود، دور از انتظار نبود. اگر در نتیجه حجم عظیم تبلیغات تفکر ظل‌الله بودن پادشاه در میان مردم نفوذ کرده باشد، مخصوصاً مطبوعات در قوت و تبلیغ شعاریایی چون شاه سایه خداست، اطاعت در برابر قدرت پادشاه و رضایتمندی در مقابل قضا و قدر بسیار کوشا بودند. در کنار روزنامه‌های کثیرالانتشار کیهان و اطلاعات که نقش مقدس پادشاه را به‌مثابه یک عنصر تعیین‌کننده در تضمین استمرار زندگی سیاسی کشور مورد ستایش قرار می‌دادند، روزنامه‌های احزاب دولتی نیز برای تبلیغ ایدئولوژی شاهنشاهی تبلیغات زیادی به راه انداختند. در روزنامه ملیون ار گان رسمی حزب ملیون می‌خوانیم: «علی‌حضرت محمدرضاشاه دومین شاهنشاه سلسله پهلوی مترقی‌ترین، متفکرترین و دانشمندترین شاهان ایران بود و معظله‌له در عصر خود پیشروتر از هر پیشرو و در انجام اصلاحات و گذرانیدن قوانین و افراطی‌تر از هر افراطی در کار ترقی مملکتند»<sup>(۵)</sup>

یسا در مراننامه حزب رستاخیز می‌خوانیم: نظام شاهنشاهی استوارترین و منطقی‌ترین شیوه حکومتی در ایران است. «نظام شاهنشاهی ایران را بقا و تجسم همه‌ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ملت ایران و تکیه‌گلی قلبی مردم ایران زمین است.»<sup>(۶)</sup>

■ **عامل تشیع**

محمدرضاشاه به‌رغم اینکه در پی تضعیف باورها و شعایر شیعی در بین مردم بود، با این حال برای مشروعیت‌قدرت خود به آنها متوسل می‌شد. شاه‌الامه معصومین(ع) را انسان‌های والا و سترگی معرفی می‌کرد که در حوزه روابط شخصی و اجتماعی انسان‌هایی استثنایی بودند. بدین دلیل خود را نظر کرده‌اهل بیت قلمداد می‌کرد و در نجات‌خوداز خطرات و بیماری عمیقاً به کمک امامان باور داشت. او در مصاحبه‌ای می‌گوید: «عمیقاً ارزش‌های مذهبی را محترم می‌شمارم و علاوه بر آن خود را به امام رضاع(علیه‌س) و امام و از ابتدای سلطنتم هر ساله برای زیارت به مشهد رفته‌ام.»<sup>(۷)</sup> در جای دیگری می‌گوید: «علا‌ه‌تمام به این درگاه، حرم حضرت رضاع(ع) در حقیقت جنبه خانوادگی نیز دارد و اگر دقت کرده باشید پدرم اصرار داشت به دنبال اسم تمام فرزندانش کلمه رضا وجود داشته باشد.»<sup>(۸)</sup>

به‌گفته اسدالله علم محمدرضاشاه مردی است که روی



جمشید آموزگار در حال سخن گفتن در یکی از کنفرانس‌های حزب رستاخیز

زمین سایه خداوند و مأمور انجام خواسته‌های یزدان است و چون احساسات عمیق مذهبی دارد، رسم می‌کند روزهای عزاداری تمام شون اسلامی رعایت شوند. علم در کتاب خود می‌نویسد: «روز یک‌شنبه، ۷ آبان ۱۳۵۱ شاه به من گفت امروز روز شهادت حضرت علی(ع) است و به‌طوری‌که می‌بینی کراوات سایه بستم‌ام، نه فقط برای رعایت ظواهر امر، بلکه به دلیل ایمان عمیقی که به خداوند و امامانش دارم.»<sup>(۹)</sup> علم اضافه می‌کند: «از رهبر یک کشور شیعه که ۹۰ درصد مردمش اعتقادات مذهبی دارند، انتظار دیگری جز این نمی‌توان داشت.»<sup>(۱۰)</sup>

شاه برای دستیابی به مشروعیت و تحمیل ظل‌اللهی خود به اقدامات دیگری نیز متوسل می‌شد، از جمله سفرهای مکرر به قم برای زیارت حرم حضرت معصومه(س) و ملاقات با آیت‌الله بروجردی و سایر علماء، سفر به عربستان در آبان ۱۳۴۴ برای انجام مراسم عمره، تأمین بودجه ساخت ستون مرمر صحن سرای حرم امام حسین(ع) و ضریح حضرت ابوالفضل(ع)، چاپ نفیس‌ترین و گرانقیمت‌ترین قرآن کریم به زبان فارسی، شرکت مرتب در تمام عیدهای مذهبی و مراسم سوگواری و مجالس عزاداری امام حسین(ع) در کاخ گلستان و دعوت دولت از مردم برای شرکت در مراسم ماه‌های محرم و صفر و پرهیز از تظاهر بسه روزه‌خواری ماه مبارک رمضان.

البته تمامی اقدامات عوام‌فریبانه فوق‌چنانکه تاریخ نیز نشان داد نتوانست رژیم پهلوی را که رژیم‌ی ضد اسلامی و مخالف مبانی دینی جامعه ایران بود، دین‌مدار و دین‌پرور جلوه دهد. چنانکه به‌جای اقدامات فوق که دارای ظاهری دینی بودند و صرفاً برای جلب حمایت قشر وسیع دینی جامعه ایران و فریب مردم و علما صورت می‌گرفت، اقدامات ضد دینی و ضد اسلامی این رژیم در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، تولیدات سینمایی، تأسیس مراکز رسمی اشاعه فساد و بی‌بندوباری (همچون زن‌روز و…)، برگزاری جشن هنر شیراز، مقلبه با مظاهر اسلامی همچون حجاب و صدها اقدام خلاف شرع دیگر رژیم بود که مبانی اقدام مردم در مخالفت با این رژیم قرار گرفت و رژیم را عمده‌ترین مخالف و مبارز با موزمین و مبانی اسلامی معرفی کرد.

■ **ناسیونالیسم باستان‌گرا (پارسی‌گرایی)**
پهلوی‌ها «پارسی‌گرایی» را نه تنها به عنوان یک سیاست فرهنگی، بلکه مانند یک ایدئولوژی دنبال کردند. به‌نظر می‌رسد برای آنان پارسی‌گرایی و تکیه بر فرهنگ و هویت ایرانی یادآور گذشته پرشکوه ایران و پادشاهان معروف آن بود. شاید به صورت

جشن، مردم ایران را اینگونه نسبت به ماهیت و اهداف برگزارکنندگان این مراسم آگاه نمود: «کارشناس‌های اسرائیل برای این تشریفات دعوت شدند به‌طوری‌که خیر شدم و نوشتند به من، کارشناس‌های اسرائیلی مشغول به یادداشتن این جشن هستند و این تشریفات را آنها دارند درست می‌کنند. این اسرائیل که دشمن با اسلام است و الان در حال جنگ با اسلام است… به این ممالک اسلامی بگویید که نروید به این جشنی که اسرائیل دارد بساط جشنش را به با می‌کند یا درست می‌کند؛ کارشناس‌های اسرائیل در اطراف شیراز دارند بساط جشن را درست می‌کنند. در این جشنی که کارشناس‌های اسرائیل دارند این عمل را می‌کنند، نروید»

جالب اینجاست که محافل یهودی و صهیونیستی نیز در این باره اعترافات جالب توجهی داشتند که یک نمونه آن یادداشت «لطف‌الله حی» است. لطف‌الله حی یکی از سران انجمن کلیمیان تهران، نماینده مجلس شورای ملی، از مشاهیر و معاریف فرامسون و عضو برجسته تشکیلات صهیونیسم که ریاست شورای یهودیان ایران «در «شورای مرکزی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله» را عهده‌دار بود، در مهر ماه ۱۳۴۹، طی اطلاعیه‌ای در میان جامعه یهود ایران، در این‌باره چنین نوشت: «این جشن‌ها در حقیقت یادبود اولین اعلامیه حقوق بشری در ۲۵ قرن قبل است. همان اعلامیه‌ای که به فرمان کورش کبیر شاهنشاه بزرگ ایران در آزادی ملت یهود از اسارت بابل و آبادی خانه خدا و معبد دوم در اورشلیم صادر شد و نه تنها به منزله لوح زرینی در بزرگی روحی و عظمت فکر انسانی شاهنشاهی ایران در تاریخ بشریت به یادگار مانده و هنوز هم می‌درخشد بلکه ماده تاریخ ۲۵۰۰ ساله جامعه یهودیان ایران شد.

در حقیقت اعلامیه کورش کبیر ابتدای سکونت یهودیان ایران در اوار عزرا و ترحیم و زر و بابل در این دیار مقدس به‌شمار می‌آید. فی‌الواقع جشن‌های سال آینده برای یهودیان ایران جنبه جشن ۲۵۰۰ ساله تاریخ ما یهودیان آذر ایران است. از این حقایق مهم‌تر آنکه این جشن‌ها در عهد سلطنت پرافتخار پدر تاجدار و انسان بزرگ قرن ما شاهنشاه آریامهر که به‌حق نزد یهودیان جهان کورش ثانی لقب گرفته است انجام می‌گیرد. به همین منظور از مدت‌ها قبل از طرف شوروی مرکزی جشن‌های شاهنشاهی با شرکت گروهی از سرشناسان و افراد بصیر جامعه یهود، شوروی یهودیان ایران وابسته به شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی تشکیک و با مطالعه مستمر و عمیق و مشاورات لازم برنامه اجرایی جامعه ما یهودی‌ها را در این باره تهیه نمود… که شامل اقدامات مفصلی در زمینه‌های فرهنگی – بهداشتی –



عبادت محمدرضا پهلوی از آیدالظلمی و پروردی بر پیمانستان

جشن‌ها و مشارکت جموع مختلف یهودیان جهان است به‌موقع خود به‌اطلاع همگان خواهد رسید تا هر خانواده یهودی ایرانی سهم خود را در آن ادا نماید.» شاه خود را بزرگ‌ترین پادشاه تاریخ ایران می‌دانست. پادشاهی که مأموریت الهی دارد و خداوند راهنمای همیشگی اوست، پادشاهی که کلاه آریایی‌ها و ملت ایران تعلق دارد. اما از این همه تلاش بهره چندانی نبرده‌است.

■ **شهنادهای مدرن**

عامل دیگر مشروعیت حکومت محمدرضاشاه جلوه‌های مدرنی همچون وجود تشریفات مجلس، انتخابات، احزاب و… بود. وی در عمل اقدامی جدی برای توسعه ملی و سرکوب مردم، احزاب دولتی و نقض حقوق اساسی مردم و همچنین نقض فاحش قانون اساسی انجام نمی‌داد.

نقش مشروعیت‌بخش جلوه‌های مدرن در این امر نهفته‌است که اقدامات شاه را در لاف‌ها و لایه‌های از حسن و خوبی می‌پیچید و چنین وانمود می‌کرد که اقدامات وی بر حق و مقبول است.

**پی‌نوشت‌ها:**

- (۱) ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳
- (۲) اوریا نافالاجی، مصاحبه با تاریخ‌سازان، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۹، ص ۱۶۳
- (۳) همان، ص ۱۶۷
- (۴) برگرفته از: حامد الگار و دیگران، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۶۴
- (۵) روزنامه ملیون، شماره ۷۸۰
- (۶) مراننامه و اساسنامه حزب رستاخیز ملی ایران، ص ۸
- (۷) اوریا نافالاجی، پیشین، ص ۱۶۱
- (۸) همان، ص ۱۶۷
- (۹) اسدالله علم، گفت‌وگوهای من با شاه: خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم، تهران، نشر درینه، ۱۳۷۱، ص ۳۹۲
- (۱۰) همان، ص ۳۹۳